

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پنجاه و شش سال پیکار حماسی علیه استبداد، استعمار و استثمار برای آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی

با فرا رسیدن دهم مهرماه، حزب توده ایران پنجاه و هفتمین سال پیکار خود را در راه رهایی کارگران و زحمتکشان از بندهای استبداد، استعمار و استثمار، و برای دست یابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی آغاز می کند. پنجاه و شش سال است که توده ای ها علی رغم یورش های متعدد و خونین کارگران ارتجاع، استبداد و امپریالیسم، برجم مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان را در میهن ما همچنان در اهتزاز نگاه داشته اند و مصدر خدمات برجسته و انکار ناپذیری در تاریخ مبارزات رهایی بخش میهن ما بوده اند. حزب توده ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰، به دست گروهی از پیشرو ترین آزادی خواهان ایران، زندانیان سیاسی کمونیست که از زندان های رژیم استبدادی رضا شاه آزاد شده بودند و با هدف ادامه مبارزه ای که حیدر عمواغلی ها و ارانی ها در ایران آغاز کرده بودند پا به عرصه پیکار نهاد و به استقبال وظیفه ای حماس و تاریخی شتافت. حزب توده ایران در مرحله معینی از تکامل و رشد جامعه ایران و در پاسخ به نیاز های تاریخی مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن ما پدید آمد و زمینه ساز تغییراتی شگرف در عرصه های گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ما گردید.

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که مبارزه علیه فاشیسم را آغاز و سازمان دهی کرد و توانست علی رغم تمایل محافل هیأت حاکمه ایران نیروی عظیم اجتماعی را در مقابل آن ایجاد کند. به همت حزب توده ایران کارگران و دهقانان در اتحادیه های صغی خود متشکل گردیدند و «سورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران» به مشابیه یک تشکل سراسری نیرومند در سراسر ایران پا به عرصه حیات نهاد. حزب توده ایران تنها حزب سیاسی کشور بود که برنامه مشخص برای تغییر بنیادین جامعه ما پیشنهاد می کرد و هراس عمیق ارتجاع و امپریالیسم نیز از همین توان معنوی و نفوذ روز افزون اندیشه

ادامه در ص ۳

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۱۵، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۱ مهرماه ۱۳۷۶

روند روبه اوج مبارزات کارگری و تلاش های حاکمیت برای ایجاد حزب «کارگران»

- کارگران ماشین سازی اراک رژیم را وادار به عقب نشینی کردند
- اعتصاب کارگران نورد اهواز با پیروزی به اتمام رسید
- اعتصاب کارگران کارخانه کشت و صنعت نیشکر هفت تپه پس از سه روز به پایان رسید

مبارزه طبقه کارگر میهن ما برای دست یابی به خواست های برحق و عادلانه به ویژه در مورد افزایش واقعی دستمزدها، طرح طبقه بندی مشاغل، قراردادهای دست جمعی کار و ایجاد تشکل های مستقل صنفی از ابتدای سال جاری اوج نوبتی یافته است. بر اساس اخبار و گزارش های رسیده، و از جمله اعتراف صریح مسؤولان وزارت کار جمهوری اسلامی، در اوایل شهریور ماه سال جاری، کارگران ماشین سازی اراک، که از مراکز مهم تولیدی ایران محسوب می شود، و کارگران کارخانه نورد اهواز در اعتراض به سطح دستمزدها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب زدند که این حرکت به سرعت مورد استقبال تمامی بخش های این کارخانه ها قرار گرفت. همچنین بر اساس گزارش های رسیده از ایران کارگران کارخانه کشت و صنعت

ادامه در صفحه ۷

مصاحبه «نامه مردم» با رفیق علی خاوری به مناسبت ۵۶ - مین سالگرد تأسیس حزب

در صفحات ۶۰۴ و ۷

... بنظر من تاریخ حزب توده ایران از هر نظر و زاویه ای که بخواهید به آن نگاه کنید تاریخ منحصر به فرد و یگانه ای در کشور ماست. حزب ما حزبی است که به دست زندانیان سیاسی و عناصر پیشرو و مترقی طرفدار آرمان های طبقه کارگر در ایران تأسیس شد و به لحاظ قدمت مبارزه، وسعت و گسترده گی تاثیر سیاسی - فرهنگی که در جامعه برجای گذاشته با هیچ نیروی سیاسی دیگر در ایران قابل مقایسه نیست...

... کم نبودند تعداد افراد و جریان هایی از این دست که در سال های اخیر در اظهار نظر های خود بارها، مارکسیسم، لنینیسم، و درستی مقولاتی همچون امپریالیسم، مبارزه طبقاتی، ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی را کف و دفن کردند، مارکس را خیال پرداز و لنین را دیکتاتور معرفی نمودند و در انتهای کار هم در پوشش نوگرایی و نواندیشی، سرمایه داری یعنی یک ساختار واپسگرا، کهنه و بوسیده را، در شکل بزرگ شده آن به عنوان راه حل نهایی ارائه دادند. اظهار فضل های این چنینی پیش از آنکه نشانگر کار جدی علمی پیرامون مقولات بسیار بغرنج، پیچیده و ظریف اجتماعی اقتصادی باشد، مویذ سطحی نگری حاملان چنین نظریاتی است. به نظر نمی رسد که حضرات حتی به این شناخت و درک رسیده باشند که مارکسیسم و لنینیسم بخشی از علوم اجتماعی است که دانشمندان از موافق و مخالف پیرامون آن هزاران کتاب و مقاله نوشته و می نویسند و برای اظهار نظر پیرامون آن نیاز به کار علمی و کارشناسانه هست و نمی توان تنها با خواندن یکی دو جزوه کوچک و انشاء نویسی های بی سروته و طولانی در باره آن به قضاوت نشست...

... ما برای مردم محروم میهنمان، در تنگناهای طاقت فرسای کنونی صمیمانه آرزوی گشایشی، حتی نسبی، می کنیم. ولی معتقد بوده ایم و معتقد مانده ایم که در چارچوب «ولایت فقیه» و مناسبات مسلط سرمایه داری انگلی قایم بر ایدئولوژی فقه سنتی، گرهی اساسی از انبوه مشکلات جدی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ما گشوده نخواهد شد. ما در ارزیابی خود پیرامون امر انتخابات نمی توانستیم به این واقعیت توجه نداشته باشیم که گردانندگان اصلی دین و حکومت و در راس همه آنها ولی فقیه، برای مردم و رای آنها و حضورشان در عرصه سیاسی تا آنجا ارزش قائلند که این رای و حضور در خدمت تحکیم رژیم «ولایت فقیه» و موقعیت و منافع متولیان نظام موجود عمل کند. حضرات برای در کنترل داشتن مسیر حرکات سیاسی و اجتماعی جامعه ابزار کافی «قانونی» در اختیار دارند...

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



یکسال حبس تعزیری برای فرج سرکوهی

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (۲۹ شهریور ماه) فرج سرکوهی مدیر مسئول سابق آدینه از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به جرم «اقدام علیه امنیت کشور از طریق فعالیت تبلیغاتی علیه نظام جمهوری اسلامی» با احتساب ایام بازداشت موقت محکوم شد. بر اساس همین گزارش رژیم جمهوری اسلامی مدعی است که فرج سرکوهی را به هنگام خروج غیر قانونی از طریق مرزهای آبی بوشهر به حکم دادگاه انقلاب اسلامی بوشهر بازداشت شده است. لازم به تذکر است که فرج سرکوهی در نامه ای که درست قبل از دستگیری مجددش در تهران برای خارج از کشور ارسال داشته بود، در آن از جمله گفته بود که توسط مزدوران رژیم مورد شکنجه و آزار قرار گرفته و زیر شکنجه و آزار به «اعتراف» به «تماس با بیگانگان» شده است. در هفته های اخیر دولت آلمان زیر فشار افکار عمومی نسبت به عملکرد حقوق بشر رژیم از جمله رفتار با سرکوهی به وزارت خارجه ایران اعتراض کرده بود که بنظر می رسد رژیم در برابر کارزار وسیع جهانی برای آزادی فرج سرکوهی تصمیم به عقب نشینی گرفته است. علی رغم قول های اولیه محمد یزدی رییس قوه قضائیه پیرامون برگزاری محاکمه علنی رژیم بعداً اعلام کرد که به خواست خود سرکوهی دادگاه او پشت درهای بسته بوده است.

۱۲ شهردار هفده منطقه از مناطق بیستگانه تهران استعفاء کردند

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (۲۶ شهریور ماه) ۱۲ شهردار هفده منطقه از مناطق بیستگانه تهران به دلیل «فقدان شرایط خدمتگزاری» از مقام های خود استعفاء کردند. این اقدام اعتراضی جمعی در پی دستگیری چند تن از شهردار های تهران از جمله شهردار منطقه بیست و محاکمه او توسط دادگستری تهران است. در هفته های گذشته برخی از مطبوعات مجاز کشور از جمله سلام و همشهری این دستگیری ها را به حساب انتقام جویی گروه راست در پی شکست انتخاباتی آنان ارزیابی کرده اند.

محسن رضایی استعفاء داد

با شکست مفتضحانه جناح رسالت و بخش عمده ای از سران رژیم در جریان انتخابات ریاست جمهوری و دخالت آشکار محسن رضایی به نفع ناطق نوری، سرانجام نامبرده ناچار شد از سمت خود استعفاء کند. خامنه ای در حکم خود ضمن ابراز تأسف از استعفاء محسن رضایی نامبرده را به دبیری

«مجمع تشخیص مصلحت نظام» منصوب کرد. رضایی در گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی که در روزنامه های مجاز کشور انعکاس یافت پیرامون استعفای خود از سپاه از جمله گفت: «من کار خود را در سپاه تمام شده می دیدم. هم از نظر تهدیدات امنیت ملی احساس می کردم کار مهی وجود ندارد... آنچه که در سه سال اخیر مرا بی تاب کرده بود که از سپاه بیرون بیایم نگرانی من از جبهه فرهنگی انقلاب بود و به این دلیل فعالیت غیر نظامی را انتخاب کردم... چون احساس می کنم در این جبهه جای کار بسیاری باقی مانده است... تا اینکه در خردادماه امسال [یعنی پس از تودهنی انتخابات] با مقام معظم رهبری دیدار کردم و دلایل خودم را خیلی صریح و روشن به ایشان گفتم و بحث را کاملاً باز کردم. ایشان خیلی عنایت کردند و وقت طولانی را گذاشتند. نهایتاً موافقت فرمودند و در مشورت با آقای هاشمی نظرشان این شد که من دبیری شورای مصلحت را عهد دار شوم و فرمودند که ما دوفتر به این نتیجه رسیدیم که شما بیایید اینجا خدمت کنید...»

این هم نمونه جالبی از حکومت قانون

بر اساس گزارش روزنامه «کار و کارگر» (دوشنبه ۲۴ بهمن ماه) در پی احضار برخی معاونین وزیر کشور توسط دادگستری تهران ماجرای دستگیری های اخیر در شهرداری تهران نیز در هیأت دولت مورد بحث و بررسی قرار گرفت و شهردار تهران نیز در این جلسه حضور یافته و توضیحات مفصلي ارائه داد. بر اساس همین گزارش مجموعاً اعضای هیأت دولت نسبت به این وضعیت و عدم پاسخگویی و طولانی شدن این روند احساس نگرانی نمودند و پس از بحث های زیادی مقرر شد آقایان مروی و شوشتری (وزیر دادگستری) به نمایندگی از سوی دولت با مقامات دادگستری تهران مذاکره و نتیجه را برای بررسی و تصمیم نهایی به هیأت دولت اطلاع دهند. در مملکتی که هیأت دولت و وزیر کشور و دادگستریش به پاسخگویی دادگستری معترض هستند معلوم نیست که تکلیف افراد عادی که روزانه در معرض این تعرضات و ظلم دستگاه های سرکوب قرار می گیرند چیست و چگونه در چنین شرایطی می توان از «حکومت قانون»، و استقرار «آزادی و جامعه مدنی» سخن راند.

۲۰ هزار تومان در ماه درآمد برنج کاران شمال

روزنامه سلام در گزارشی از وضعیت برنجکاران گیلانی (سه شنبه ۲۵ شهریور) ضمن انعکاس نارضایتی برنج کاران نسبت به شرایط کنونی و قیمت های تعیین شده از سوی دولت از قول یک کشاورز برنج کار فومن می نویسد: «در بهترین حالت از یک هکتار شالیزار می توان ۲/۵ تن محصول محلی برداشت و چنانچه کشاورز بتواند برنج تولیدی خود را به حداکثر کیلویی ۳۰۰۰ ریال بفروشد، ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال نصیبش می شود و این در حالی است که هزینه کشت و برداشت هر هکتار حدود ۵ میلیون ریال است. با این حساب برای هرماه کار در یک سال زراعی نصیب کشاورز تنها ۲۰۰ هزار ریال در ماه است.

ابراهیم یزدی و «جمهوری سوم»

هفته نامه «توس» چاپ مشهد در شماره اخیر خود مصاحبه مفصلي را با ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی منتشر کرده است که او در آن انتخابات اخیر را

آغاز «جمهوری سوم» در ایران نام نهاده است. بر اساس این گزارش یزدی در ارزیابی از انتخابات اخیر از جمله گفته است: «اگرچه من معتقد هستم که مردم در این انتخابات به انقلاب و جمهوری اسلامی آری گفتند، ولی در واقع با رأی خود به برخی عملکرد های مسؤولان هیأت حاکمه رأی منفی دادند...» به گمان یزدی «انتخابات دوم خرداد ماه نقطه عطفی در تاریخ جمهوری اسلامی است و اینکه آقای خاتمی بارها پس از انتخابات اعلام کرده است که به برنامه هایش وفادار است و از تک تک وزیران برای اجرای برنامه های اعلام شده تعهد گرفته نکات مثبتی است...»

کاهش چشمگیر بودجه ارزی مطبوعات

بر اساس گزارش هفته نامه اقتصادی «میهن»، از ۱۵ میلیون دلار بودجه ارزی روزنامه های کشور در سال جاری تاکنون ۱۳ میلیون دلار آن تخصیص داده شده است و این در حالی است که تعدادی از روزنامه ها منتظر دریافت اجازه انتشار خود هستند. بر اساس این گزارش بنیاد مستضعفان در تدارک انتشار نشریه خود است و غفور گرشاسبی صاحب امتیاز سابق روزنامه ابرار نیز در پی انتشار روزنامه جدیدی است و یکی از مدیران کل سابق وزارت امور خارجه نیز در تدارک انتشار روزنامه ای است که مورد حمایت گروهی از «روحانیون» می باشد. همچنین بر اساس گزارش هفته نامه «میهن» سهمیه ارزی روزنامه های کشور از ۵۰ میلیون دلار در سال ۷۵ به ۱۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۶ کاهش پیدا کرده است.

رفیق دوست برای دو سال دیگر ابقاء شد

بر اساس گزارش روزنامه انگلیسی زبان «ایران نیوز» که در تهران چاپ می شود، خامنه ای طی حکمی محسن رفیق دوست را برای دو سال دیگر در سمت رییس هیأت امنای بنیاد مستضعفان ابقاء کرد. صدور این حکم از سوی خامنه ای در حالی است که نقش محسن رفیق دوست در بسیاری از اختلاس های کلان مالی کشور از جمله اختلاس ۱۲۳ میلیاردی بردارشد از بانک صادرات به روشنی در دادگاه های رژیم افشاء شده بود. بنیاد مستضعفان به عنوان یک شبکه مافیایی اقتصادی در بسیاری از عرصه های اقتصادی کشور با سرمایه های کلان چندین صد میلیاردی حضور دارد و به هیچ ارگان دولتی و یا قانونی بجز شخص «ولی قیبه» پاسخگو نمی باشد.

روزنامه «سلام» و دفاع از حقوق بشر

روزنامه «سلام» در یادداشت سیاسی روز خود (دوشنبه ۲۴ شهریور ماه) زیر عنوان زیاده خواهی بن از جمله نوشت: «سؤال بزرگ در اینجا است که راه حل معقول در برابر حرکت تازه اروپا که در اوایل آغاز به کار دولت آقای خاتمی رخ داده است چیست؟ از یک طرف مسایلی نظیر حقوق بشر سیر حرکت تهاجمی دستگاه دیپلماسی غرب است که می دانیم فقط بهانه است از طرف دیگر متأسفانه مسأله حقوق اساسی انسان ها به عنوان یکی از شعارهای اصیل مردم در حماسه دوم خرداد در جنبه ای قرار دارد که هدف فشارهای خارجی و برخی تحرکات نامیمون داخلی، همانا مسخ کردن این شعارها است... دشمن متأسفانه از وجود برخی نارسایی های داخلی در زمینه قانونمندی جامعه بهره برداری کرده و در صدد است تا اصالت مکتب اسلام و حیثیت جمهوری اسلامی را نزد افکار عمومی جهانیان مخدوش کند...»

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

های توده ای در سراسر جامعه بود. حزب توده ایران، یک حزب به تمام معنی انقلابی و پیشرو بود که تغییرات بنیادین جامعه سرمایه داری را طلب می کرد. اولین برنامه حزب توده ایران، مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۲۳، تبلور روشنی از این واقعیت است. حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که مسأله مبارزه در راه تقابل ساعات کار روزانه به ۸ ساعت و پرداخت دستمزد متناسب برای اضافه کار؛ مبارزه در راه ایجاد بیمه های اجتماعی کارگران؛ مبارزه در راه به رسمیت شناختن حقوق صنفی، اتحادیه ها، حق اعتصاب و قرار دادهای جمعی، تساوی حقوق کارگران زن و مرد، جلوگیری از کار اطفال خردسال، اصلاحات ارضی بنیادین به نفع دهقانان محروم و مسأله برابری حقوق زن و مرد، و مبارزه برای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان را در دستور کار جامعه ایران قرار داد و توانست مهر و نشان آرمان های طبقه کارگر را بر همه عرصه های حیات جامعه ما ثبت کند. از مبارزه بی امان در راه به رسمیت شناختن حقوق اقلیت های ملی و مذهبی تأسیس سازمان ها و تشکل های مستقل زنان، جوانان، نویسندگان و هنرمندان، تا نبرد علیه استعمار و استبداد هیچ عرصه مهمی از مبارزه را نمی توان یافت که توده ای ها نقش موثر و تعیین کننده ای در آن نداشته باشند. کار معنوی حزب توده ایران در تاریخ کشور ما بی سابقه است. به همت توده ای ها هزاران کتاب، روزنامه، مجله، نشریه سیاسی، علمی و فرهنگی انتشار یافت و اندیشه های دوران ساز مارکسیسم - لنینیسم در شکل بی سابقه و گسترده ای تبلیغ و ترویج شد و توانست ریشه های عمیقی در فرهنگ اجتماعی - سیاسی کشور پیدا کند. دشمنان طبقه کارگر، استعمارگران، ارتجاع و واپسگرایی در سیمای حزب ما خطری عظیم و مهلک را می دیدند که سد بزرگی در مقابل اهداف و برنامه های ضد مردمی آنها بود. یورش های متعدد ارتجاع و استبداد به حزب توده ایران، دستگیری، شکنجه و اعدام توده ای ها در مقاطع گوناگون بیش از نیم قرن تاریخ معاصر ایران، سند معتبر و انکار ناپذیری از این حقیقت است. در تمامی مقاطع حساس و تعیین کننده تاریخ معاصر میهن ما، حزب توده ایران نخستین و مهمترین هدف نیروهای ضد مردمی بوده و هست. یورش به نهضت ملی کردن نفت ایران در دهه ۳۰، با یورش به حزب توده ایران آغاز شد و این توده ای ها بودند که پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، گروه گروه دستگیر و روانه شکنجه گاه شدند و این افسران دلیر توده ای بودند که سینه های پر شور خود را در مقابل گلوله های رژیم مزدور شاه قرار دادند تا مشعل فروزان مبارزه در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی خاموش نگردد.

هم میهنان عزیز!

حزب توده ایران در شرایطی به استقبال ۵۷-مین سال مبارزه خود می رود که میهن ما دوران دشوار و تعیین کننده ای را از سر می گذرانند. هجده سال پس از انقلاب بزرگ و مردمی بهمن ۱۳۵۷ که با اهداف استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و با از جان گذشتگی های کم نظیر به پیروزی رسید، نه از آزادی خبری هست، و نه از عدالت اجتماعی. سران حکومتی ایران، علی رغم تمامی قول هایی که در آغاز انقلاب به مردم داده بودند، گام به گام از مواضع و خواست های انقلابی - مترقی دور شدند و با استقرار حکومت دیکتاتوری مذهبی، عمیقاً واپسگرا و ضد مردمی امکان تاریخی بزرگی را برای بنا سازی ایرانی آزاد، آباد و مستقل از مردم ماسلب کردند. خشونت، سرکوب و کشتار دگر اندیشان و آزادی خواهان در ابعاد بی سابقه، واپسگرایی فرهنگی - اجتماعی، تشدید اختلاف طبقاتی و فقر و محرومیت فرآگیر هدیه شوم کسانتی است که امروز سکان حکومت ایران را به دست گرفته اند، حکومت را «هدیه الهی» به خود می دانند و علی رغم تمایل میلیون ها ایرانی کشور را به سوی ویرانی و فاجعه می رانند.

رویدادهای ماه های اخیر، خصوصاً برگزاری انتخابات ریاست جمهوری رژیم و پاسخ قاطع و یکپارچه شما به نامزد انتخاباتی رژیم «ولایت فقیه» آشکارا نشان داد که حکومت کنونی پایه های اجتماعی خود را از دست داده است و تنها با تکیه بر سر نیزه و سرکوب است که به حیات خود ادامه می دهد. مردم در جریان این انتخابات، که در آن هیچ حزب و یا نیروی سیاسی مستقل از حاکمیت اجازه فعالیت نداشت تمایل آشکار خود را به تحقق حکومت قانون، استقرار جامعه مدنی و آزادی و تحقق شعار اساسی انقلاب یعنی عدالت اجتماعی در شکل رأی بیست میلیونی علیه نامزد انتخاباتی «ولی فقیه»، «روحانیت مبارز»، رهبری «حوزه های علمیه» قم و شهرهای دیگر، رهبری سپاه پاسداران، اکثریت مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، اکثریت مجلس خبرگان، و «حزب الله» به نمایش گذاشتند.

حرکت عظیم توده ها در ۲ خرداد ۱۳۷۶، نشان داد که کاسه صبر مردم در برابر قول های زیرپا گذاشته شده و خیانت به آرمان های انقلاب لبریز شده است و اکثریت قاطع توده ها خواهان تغییر اوضاع کنونی کشور هستند. حزب توده ایران در جریان این انتخابات ضمن ارزیابی شرایط کشور و ساختار حکومتی حاکم، اظهار داشت که با وجود ساختار «ولایت فقیه» به مثابه اهرم اساسی اعمال استبداد تحقق حکومت قانون و آزادی در ایران ممکن نیست و از آنجائیکه اجرای کلیه قوانین کشور و از جمله قانون اساسی به خواست و تمایل یک فرد، «ولی فقیه» ارتباط دارد، نمی توان امیدوار بود که این ساختار توان ایجاد چنین تحولات بنیادین را داشته باشد. مسأله ای که حزب ما در تمامی سال های اخیر به مثابه عمده ترین هدف مبارزاتی خود طرح

کرده و همچنان طرح می کند نیز بر پایه چنین درکی از شرایط موجود کشور است. تنها با طرد رژیم «ولایت فقیه» و تغییر بنیادین ساختار حکومتی کشور است که می توان به تغییرات بنیادین و بایدار به سمت آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی امیدوار بود. سیر حوادث و رویدادها درستی و دقت این ارزیابی حزب توده ایران را بیش از پیش به اثبات می رساند و این نظر حزب ما امروز هرچه وسیع تر مورد تأیید توده های مردم، نیروهای سیاسی و حتی برخی از طرفداران رژیم فرار می گیرد. به گمان ما یگانه راه مطمئن تحقق این آرمان ها سازمان دهی نیروی عظیم اجتماعی است که امروز به صحنه مبارزه آمده است. این نیروی عظیم مردمی توان آن را دارد که بزرگترین سدها را از سر راه خود بردارد و راه را برای تحولات بنیادین و دموکراتیک در ایران بگشاید.

رفقا، هواداران و دوستان حزب!

حزب توده ایران ۵۷-مین سال حیات و پیکار خود را در شرایطی آغاز می کند که دوران پر حادثه و پرمخاطره ای را در سال های اخیر پشت سر گذاشته است. یورش وسیع و جنایتکارانه رژیم علیه حزب توده ایران در بهمن ماه ۱۳۶۱، ضربه مهلکی بر پیکر حزب ما بود. هزاران توده ای، گروهی از برجسته ترین اعضا، کادرها و رهبران حزب ما، قهرمانان جنبش آزادی خواه کشور، فاتحان زندان های شاه، زندانیان سیاسی ۲۵ سال زندان کشیده اسیر شدند، و صدها تن از فرزندان برومند میهن ما یا به دست دژخیمان در زیر شکنجه های وحشیانه به هلاکت رسیدند و یا سرانجام در یک انتقام جویی جنایتکارانه و حساب شده از سوی سران رژیم به جوخه های مرگ سپرده شدند. دستگاه های وسیع اطلاعاتی رژیم تمام توان جهتمی خود را برای نابودی حزب ما به کار گرفت. نابودی فیزیکی توده ای ها، شوهاری تلویزیونی قربانیان شکنجه، تلاش برای ایجاد انشقاق و انفجار حزب از درون و حزب سازی از جمله برنامه هایی بوده است که ارگان های امنیتی رژیم در چهارده سال گذشته علیه حزب ما به کار گرفته اند و تا به امروز با هوشیاری توده ای ها با شکست روبرو شده است. برای رژیم جمهوری اسلامی حزب توده ایران، مهمترین و کلیدی ترین نیروی چپ ایران است که می بایست آن را فلج کرد، می بایست آن را آنچنان دچار بحران و پراکندگی کرد که نتواند وظایف دشوار خود را به مثابه حزب طبقه کارگر ایران و سازمان ده توده های کار و زحمت انجام دهد. ارگان های امنیتی رژیم حزب «توده ای» را می خواهند که مجیز گوی ارتجاع و استبداد، منادی «آشتی طبقاتی» و «آرام» کننده خشم و خروش توده ها و خصوصاً کارگران به مثابه عمده ترین نیروی انقلابی کشور باشد. حزب «توده ای» که در یک کلام هدفش حفظ و دفاع از رژیم «ولایت فقیه» باشد. مبارزه پیگیر و هوشیارانه توده ای ها و نفوذ معنوی حزب ما علی رغم ضربات خرد کننده ای که بر آن وارد آمده است، خار چشم رژیم است که علی رغم مانورهای تبلیغاتی پیرامون نابودی حزب توده ایران، هنوز آن را یکی از عمده ترین دشمنان خود و اهدافش در ایران می داند. حزب ما در سال های اخیر علی رغم همه این ضربات و علی رغم تحولات جهانی و عقب گردهای جنبش جهانی کارگری و کمونیستی توانسته است با موفقیت از ماهیت طبقاتی - ایدئولوژیک خود دفاع کند، سومین کنگره حزب را پس از بیش از چهل سال تدارک دیده و برگزار کند و امروز با موفقیت به سمت برگزاری چهارمین کنگره خود برود.

رفقا! رزمندگان توده ای!

پرچم مقدس مبارزه ای که امروز در دست شما است ارثیه گرانبهای مبارزه خونینی است که مهر و نشان پنجاه و شش سال پیکار بی امان و بخش بزرگی از تاریخ مبارزات رهایی بخش مردم میهن ما را به همراه دارد. از خون سیامک ها، کیوان ها، وارطان ها، روزبه ها، علوی ها، تیزابی ها، حکمت جویا، افضلی ها، شناسایی ها، مهرگان ها، سیمین فردین ها، ججری ها، باقرزاده ها، آگاهی ها، و هزاران دلاور توده ای آبیاری شده است و امید کارگران و زحمت کشان به آینده ای بهتر است. در اهتزاز نگاه داشتن این پرچم و ادامه این مبارزه مقدس مهمترین وظیفه ای است که امروز پیشاپیش تک تک ما قرار دارد. امروز بیش از هر زمان دیگری حزب ما به وحدت و انضباط آگاهانه نیازمند است تا بتواند بار سنگین مسؤلیت تاریخی که بر دوش دارد به سرمقصد نهایی خود یعنی پیروزی طبقه کارگر ایران برساند. کمیته مرکزی حزب توده ایران پنجاه و ششمین سالگرد تأسیس حزب را به همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و به همه کارگران و زحمتکشان ایران تبریک می گوید و برای جنبش کارگری و کمونیستی ایران و توده های کار و زحمت آرزوی پیروزی می کند.

فرخنده یاد پنجاه و ششمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران!

دوردهای آتشین به خاطر جاودان شهدای توده ای و تمامی شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
مهرماه ۱۳۷۶

مصاحبه «نامه مردم» با رفیق علی خاوری به مناسبت ۵۶ - مین سالگرد تأسیس حزب

همه برای تحقق این آرمان‌های مردمی و مترقی در جامعه مبارزه هدفمند سیاسی سازمان دهی می‌گردد.

نکته دیگری که توجه به آن ضرور است این است که آشنایی ایرانیان با مارکسیسم و لنینیسم در پنج دهه گذشته عمدتاً از طریق حزب توده ایران صورت گرفته است. این حزب ما بود که کار ناتمام حزب کمونیست ایران، حیدر عموغلی‌ها، سلطان زاده‌ها و ارانی‌ها را در راه نشر این اندیشه‌های دورانساز در ایران در آن ابعاد گسترده پیگیری کرد و با انتشار صدها کتاب، مجله و مقاله علمی نیروهای مترقی و آزادی‌خواه را با این ایدئولوژی آشنا نمود. حتی امروز پس از گذشت پنجاه و شش سال اگر کسی بخواهد با کلاسیک‌های مارکسیسم به زبان فارسی آشنا گردد عمده ترین مرجعش انتشارات حزب توده ایران است.

شما توجه کنید که کسی مانند مهندس بازرگان که از مخالفان حزب ما بود در اظهار نظر راجع به تاریخ معاصر ایران تصریح می‌کند که حزب و کار سیاسی در شکل رایج و امروزی آن از طریق حزب توده ایران در جامعه مطرح شده و همه نیروها در واقع در این زمینه در مکتب حزب توده ایران درس خوانده‌اند.

اهمیت کار عظیمی که حزب در ایران کرده است هنگامی بیشتر روشن می‌شود که توجه کنیم حزب ما بیش از چهل و چند سال از این پنجاه و شش سال را در شرایط «غیر قانونی» به سر برده است و دائماً هدف پیگرد و سرکوب خشونت بار نیروهای ارتجاعی و استبدادی حاکم بوده است. من همیشه به این نکته عمیقاً اعتقاد داشته و دارم که هراس جدی نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم از حزب ما نه به دلیل نیروی عظیم مادی آن بلکه به دلیل توان عظیم معنوی و تاثیر گذاری بوده و هست که حزب در شکل دادن به تحولات ایران داشته است. به خاطر دارم در نخستین یورش رسمی به حزب توده ایران در بهمن ماه ۱۳۲۷، دکتر اقبال در متنی که از طرف دولت وقت قرائت کرد، عمده ترین جرم حزب ما را «تبلیغ مرام اشتراکی»، «وابستگی به بیگانگان» و «فرب مردم ساده» برای آشوب و بهم ریختن وضع مملکت و به عبارت دقیق تر مهجیز کردن توده‌های وسیع کارگران، دهقانان و زحمتکشان به سلاح مبارزه و سازماندهی مبارزه علیه نظام ستم شاهی اعلام کرد. امروز با انتشار انبوهی از اسناد دولتی انگلستان و آمریکا دیگر روشن شده است که یکی از اساسی ترین دلایل سازماندهی کودتای ۲۸ مرداد توسط سازمان سیا و دستگاه جاسوسی دولت انگلستان هراس این کشور ها از نفوذ چشمگیر و فزاینده حزب ما در ایران بود. این وضع هیچ تغییری در ۵۶ سال گذشته نکرده است. یعنی ۳۴ سال بعد از دکتر اقبال، ریشهری رییس دادگاه‌های انقلاب رژیم نیز همان جرم‌ها را برای توده‌ای‌ها مطرح می‌کند، ریگان همان نگرانی‌های روزولت را در مورد نفوذ حزب در منطقه تکرار می‌کند و خامنه‌ای ناچار است اعتراف کند که بزرگترین نگرانی سران رژیم در دوران نخستین انقلاب نفوذ روز افزون و چشمگیر حزب توده ایران بود. تاریخ حزب ما تاریخ یک حزب زنده و بیکارگر است که به نظر من به تمامی جنبش کارگری و کمونیستی ایران و به همه نیروهایی که در راه آرمان‌های طبقه کارگری می‌زنند تعلق دارد. فداکاری‌های کم نظیر توده‌ای‌ها در پنجاه و شش سال گذشته از صفحات غرور آمیز تاریخ ملت ماست. نزدیک به شش دهه گذشته اعضاء و هواداران حزب دهها هزار سال زندان و هزاران شهید داده و همچنان با شور و شوق و از جان گذشتگی برجم مبارزه کارگران و زحمتکشان را در اهتزاز نگاه داشته‌اند. این تاریخ و این مبارزه نه تنها ماه سربلندی حزب ما بلکه صفحات درخشانی از جنبش آزادی خواهانه و مترقی کشور ماست.

البته تاریخ حزب ما همراه سربلندی‌ها، پیروزی‌ها و دست آوردهایش، شکست‌ها و اشتباهاتی هم با خود همراه دارد که ما منکر آن نیستیم. ولی شما هنگامی که این دو کفه را در کنار هم قرار بدهید و بخواهید منصفانه قضاوت کنید، این اشتباهات و زنه کوچکی است در مقابل تمام خدماتی که حزب در ۵۶ سال گذشته انجام داده است. از این تاریخ سراسر مبارزه و خصوصاً نکات برجسته و اساسی آن باید حراست کرد، یورش به آن و مسخ این تاریخ یکی از عمده ترین هدف‌هایی است که دشمنان طبقاتی جنبش کارگری و کمونیستی ایران پیگیرانه دنبال کرده، و می‌کنند و شما امروز نیز شاهد آن هستید که در شرایط حاکم بودن سانسور شدید بر کشور، رژیم چگونه اجازه می‌دهد انواع «خاطرات» و «کتب تاریخی» در مورد جنبش کارگری و کمونیستی به قصد لیجن مال کردن آن انتشار پیدا کند.

س: رفیق خاوری شما در صحبت‌هایتان به یورش رژیم جمهوری اسلامی اشاره کردید، نظرتان درباره وضع کنونی حزب، یعنی ۱۵ سال پس از این یورش و با توجه به

س: با تشکر از اینکه بعد از مدتی طولانی فرصتی در اختیار ما گذاشتید تا در آستانه ۵۶ - مین سالگرد تأسیس حزب با شما گفتگویی داشته باشیم. نخستین سؤال ما نیز به ۵۶ - مین سالگرد تأسیس حزب مربوط است. با سیر گذرایی در تاریخ و با توجه به تحولات سیاسی که در سال‌های اخیر در ایران و در عرصه جهانی رخ داده است شما شرایط کنونی حزب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: با تشکر متقابل از اینکه می‌توانم بار دیگر مستقیماً با خوانندگان «نامه مردم» گفت و گویی داشته باشم. اجازه دهید تا پاسخ به پرسش شما را با تذکری کوتاه پیرامون این «طولانی» شدن فواصل مصاحبه که از سوی شما و همچنین برخی رفقای دیگر مطرح می‌شود شروع کنم. حزب ما مدافع اجرای اصل رهبری جمعی و مخالف عمده کردن افراد در مقابل ارگان‌های منتخب حزبی بوده است. هنگامی که ارگان‌های حزبی وجود دارند و عمده ترین خطوط سیاسی - مبارزاتی حزب را تعیین می‌کنند دیگر تکیه روی این یا آن فرد برای ارائه تحلیل و رهنمود بی مورد و زاید است. شما می‌دانید که در سال‌های اخیر علی‌رغم دشواری‌های انبوهی که بردوش حزب، از نظر تدارکاتی بوده است، کمیته مرکزی حزب ما هر ساله به طور منظم نشست‌های خود را برگزار کرده و پیرامون مهمترین تحولات سیاسی ایران و جهان موضع‌گیری‌های مشخص، روشن و دقیقی ارائه کرده است و اسناد سیاسی این نشست‌ها هم از طریق جاب در «نامه مردم» در اختیار عموم قرار گرفته است. با اتکاء به همین خرد جمعی بوده که حزب ما توانسته است در این شرایط که تحولات و نوسانات زیادی در ایران و جهان رخ می‌دهد، یک سیاست منسجم و یکپارچه‌ای را ارائه بدهد. مصاحبه امروز هم در واقع وظیفه‌ای است که هیأت اجرایی با توجه به مجموعه شرایط بردوش من گذاشته که به عنوان یکی از معدود باقی ماندگان نسل گذشته که ۵۶ سال است افتخار عضویت در حزب توده ایران را دارد به مناسبت سالگرد حزب با نسل جوان توده‌ای که در یکی از دشوار ترین مقاطع تاریخ آن برجم مبارزه را به دست گرفته گفتگویی داشته باشم.

حال برگردیم به پرسش شما درباره تاریخ ۵۶ ساله حزب توده ایران. بنظر من تاریخ حزب توده ایران از هر نظر و زاویه‌ای که بخواهید به آن نگاه کنید تاریخ منحصر به فرد و یگانه‌ای در کشور ماست. حزب ما حزبی است که به دست زندانیان سیاسی و عناصر پیشرو و مترقی طرفدار آرمان‌های طبقه کارگر در ایران تأسیس شد و به لحاظ قدمت مبارزه، وسعت و گستردگی تاثیر سیاسی - فرهنگی که در جامعه بر جای گذاشته با هیچ نیروی سیاسی دیگر در ایران قابل مقایسه نیست. طرح این مسأله نه به عنوان یک رُست تبلیغاتی بلکه حقیقت آشکاری است که هرکس با کمی انصاف می‌تواند آن را در لابلای اسناد تاریخ معاصر و حتی در انبوه نوشته‌های که در مخالفت و نهمت زنی به حزب توده ایران تهیه و منتشر شده است رد یابی کند. هنگامی که حزب ما با به میدان مبارزه گذاشت فرهنگ غالب جامعه، فرهنگ فئودالی فوق العاده واپسگر و ارتجاعی بود. حزب توده ایران در مدت کوتاهی که امکان فعالیت علنی یافت آنچنان حیات سیاسی - فرهنگی جامعه را دگرگون کرد که اثرات آن تا به امروز نه تنها در میهن ما، بلکه در منطقه خاورمیانه همچنان باقی مانده است. در ایران آن روز حتی کلمه کارگر یک واژه ناآشنا بود. زنان حق رأی نداشتند و تعبد و تکلیف پذیری از استعمارگران، فرهنگ بخش مهمی از سیاست مداران و سیاسیون کشور را تشکیل می‌داد. دهقانان با زمین خرید و فروش می‌شدند، و عقب ماندگی سیاسی - فرهنگی در آمیخته به خرافات و تاریک اندیشی ویژگی اساسی روستایی، و سرمایه داری عقب مانده همراه با فئودالیسم، ویژگی اساسی زیربنایی کشور را تشکیل می‌داد. احزاب و سازمان‌های سیاسی پدیده‌هایی نادر و شمار نشریات و مجلات علمی، فرهنگی و سیاسی بسیار اندک بود. در چنین شرایطی است که حزب توده ایران متولد شد و توانست در مدت زمانی کوتاه حیات فرهنگی - سیاسی کشور را به تمام معنی دگرگون کند. شما اگر به نخستین برنامه حزب ما که در سال ۱۳۲۳ در کنگره اول تصویب شد رجوع کنید می‌بینید که این برنامه چه برنامه مترقی، انقلابی و روشن بینانه‌ای برای زمان خودش بوده است. این نخستین برنامه یک حزب سیاسی در ۶۰ سال تاریخ معاصر ایران است که خواست تحقق حقوق صنفی کارگران، تقلیل ساعات کار به ۸ ساعت، مسأله ایجاد سیستم تأمین اجتماعی، اصلاحات ارضی برای دهقانان، حق رأی دادن و انتخاب شدن و برابری با مردان را برای زنان، و حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی در آن طرح می‌شود و مهمتر از

ادامه مصاحبه رفیق خاوری ...

انبوه مسایلی که در سطح جهان در مورد حقانیت مارکسیسم - لنینیسم مطرح گردیده چیست؟

ج: بورش رژیم جمهوری اسلامی به حزب که به شکل رسمی در بهمن ۱۳۶۱ آغاز شد، یکی از وسیع ترین و سنگین ترین ضرباتی است که حزب ما در طول تاریخ ۵۶ ساله اش با آن مواجه بوده است. در این حمله نزدیک به ده هزار نفر از اعضاء، هواداران، کادرها و اعضاء رهبری حزب ما در یک نقشه حساب شده و از پیش تعیین شده دستگیر و روانه شکنجه گاه ها شدند. همان طوری که قبلاً اشاره کردم هدف عمده رژیم فلج کردن کامل حزب و بیش از همه ضربه زدن به اعتبار و نفوذ معنوی آن در میان کارگران، زحمتکشان و اقشار محروم جامعه بود. با چه شکنجه ها و نیرنگ هایی رژیم توانست تعدادی از اعضاء رهبری وقت حزب را که در شکنجه گاه ها خرد و درهم شکسته شده بودند به آن شکل روی صحنه تلویزیون بیاورد تا از زبان آنان حقانیت تاریخی حزب را زیر علامت سؤوال ببرد. این حمله اثرات مهلکی بر تشکیلات و ساختار حزب داشت. با دستگیری بخش بزرگی از رهبری حزب و کادری که برجسته تماس میان سازمان های حزبی مختل شد. کار بازسازی حزب و اتخاذ سیاست مشخص در شرایط پس از حمله به دلیل مجموعه ای از مشکلات و گرفتاری ها با دشواری های زیادی روبرو شد. به همه این مشکلات، سردرگمی ها و اختلاف نظر ها، سوء استفاده افراد فرصت طلبی که شرایط را برای مطرح کردن خود و به دست گیری رهبری مناسب می دیدند باید اضافه کرد. علی رغم همه این مشکلات، توطئه ها و دشواری هایی که شرح آن در حوصله این مصاحبه نمی گنجد، حزب توانست با اتکاء به اعضاء و کادری های رزمنده اش، ارگان های تشکیلاتی، سیاسی، تبلیغاتی و بین المللی خود را به تدریج بازسازی کند و با ارزیابی سیاست های گذشته، مجموعه ای از سیاست های نوین را در عرصه های مختلف اتخاذ نماید.

س: رفیق خاوری تحولات کشور های سوسیالیستی و فروپاشی اتحاد شوروی چه اثراتی در حزب داشت؟

ج: مشکل دیگری که حزب ما در این ۱۵ سال با آن روبرو شد، مسأله تحولات در کشورهای سوسیالیستی سابق و فروپاشی اتحاد شوروی و درگیری های پس از آن بود. ابعاد و اهمیت این ضربه را فقط می توان در سطح جهانی بررسی و مشخص کرد. به عبارت دیگر جنبش جهانی کارگری و کمونیستی که حزب توده ایران یکی از اعضاء آن بود، ناگهان خود را با یک بحران نظری بسیار جدی که ماهیت و تاریخ آن را زیر ضربه برده بود، روبرو دید. حزب کمونیست اتحاد شوروی که نقش جابگانه ویژه ای در این جنبش جهانی داشت به دست افراد فرصت طلب و ضد مارکسیست افتاده بود که هدفی را جز نابودی سوسیالیسم و دست آوردهای آن دنبال نمی کردند و امپریالیسم با استفاده از فرصت طلایی ایجاد شده کارزار مهیب تبلیغاتی را در سطح جهان علیه جنبش کارگری سازمان داده بود. واقعیت این است که کمتر حزب کارگری و کمونیستی را می توان سراغ گرفت که بر اثر این تحولات دچار مشکلات و دشواری ها نشده باشد. در حزب ما هم بودند کسانی که معتقد بودند حزب می بایست راه گارباچف ها، پروستریکا را طی کند و خود را از بندها و «دگم» های «ایدئولوژیک» رها سازد. بدیهی بود که اکثریت رفقای حزبی ما حاضر به پذیرش چنین توصیه هایی نبودند و بر عکس معتقد به بررسی دقیق خالی از جنجال و پژوهش علمی حوادثی بودند که تاثیر حیاتی بر سرنوشت جامعه بشری داشته و خواهد داشت. شما می دانید که نه تنها در حزب ما بلکه در سازمان های دیگر چپ ایران نیز این اندیشه ها گاه تا حد تسخیر خط سیاسی و نظری برخی از این سازمان ها پیش رفت و در مجموع اثرات مخربی را بجای گذاشت. کم نبودند تعداد افراد و جریان هایی از این دست که در سال های اخیر در اظهار نظر های خود بارها، مارکسیسم، لنینیسم، و درستی مولاتی همچون امپریالیسم، مبارزه طبقاتی، ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی را کفن و دفن کردند، مارکس را خیال پرداز و لنین را دیکتاتور معرفی نمودند و در انتهای کار هم در پوشش نوگرایی و تواندیشی، سرمایه داری یعنی یک ساختار واپسگرا، کهنه و پوسیده را، در شکل بزرگ شده آن به عنوان راه حل نهایی مورد تایید قرار دادند. اظهار فضل های این جنبی بیش از آنکه نشانگر کار جدی علمی پیرامون مقولات بسیار بغرنج، پیچیده و ظریف اجتماعی اقتصادی باشد، موید سطحی نگری حاملان چنین نظریاتی است. به نظر نمی رسد که حضرات حتی به این شناخت و درک رسیده باشند که مارکسیسم و لنینیسم بخشی از علوم اجتماعی است که دانشمندان از موافق و مخالف پیرامون آن هزاران کتاب و مقاله نوشته و می نویسند و برای اظهار نظر پیرامون آن نیاز به کار علمی و کارشناسانه هست و نمی توان تنها با خواندن یکی دو جزوه کوچک و انشاء نویسی های بی سروت و طولانی در باره آن به قضاوت نشست.

آنچه به حزب ما برمی گردد، ما معتقدیم که کار عظیم باسخگویی به این مسایل وظیفه تاریخی و حساسی است که نیازمند کار مشترک، جدی و مسؤولانه کل جنبش کارگری و کمونیستی جهان است. ما در سال های اخیر از نزدیک با احزاب گوناگونی در این زمینه تبادل نظر کرده ایم از جمله احزابی بودیم که در دو کنفرانس مهم جهانی در باره مارکسیسم و دوران ما که در هند برگزار شد و کنفرانس مشورتی

در مورد علل فروپاشی سوسیالیسم در یونان حضور پیدا کردیم و نقطه نظرها و برداشت های خود را با احزاب گوناگون، از جمله احزاب کشورهای سابق سوسیالیستی از نزدیک در میان گذاشتیم. در همین کنگره اخیر حزب کمونیست فدراتیو روسیه فرصتی دست داد که هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب همراه با سایر هیأت های مهمان در جلسه ای جدا از کنگره با رفقای روسیه و نمایندگان سایر احزاب کارگری و کمونیستی بار دیگر در این باره تبادل نظر کنند. شما توجه کنید که حزبی با قدرت و توان فکری و علمی حزب کمونیست روسیه و با آنهمه اطلاعات و داده های دست اول هنوز اظهار نظر قطعی در این باره نکرده است و هنوز مشغول کار تحقیقاتی در این زمینه است. نظر مشترک در میان اکثر احزاب کارگری و کمونیستی جهان این است که هنوز باید کار زیادی از لحاظ نظری و تحقیق علمی صورت بگیرد تا بتوان با مسؤولیت در این باره به قضاوت نشست. حزب ما در جریان تدارک چهارمین کنگره خود کمیسیونی از کمیته مرکزی را مأمور کرد تا در زمینه طرح اسناد اولیه ای در این زمینه کار بکنند که حاصل این کار پس از گذشت نزدیک به یکسال همان اسنادی است که «نامه مردم»، برای نظر خواهی از اعضاء و هواداران حزب و همچنین قضاوت عموم به چاپ رساند. البته این تنها یک گام کوچک برای روشن کردن موضوع های مورد بحث و برخی اشارات به مضامین این بحث ها است و بی شک باید در آینده باز هم کار بیشتری در این زمینه انجام بگیرد.

س: وضع امروز چپ در سطح جهان و ایران را چگونه می بینید؟

ج: من فکر می کنم که پس از دوران کوتاهی که جنبش جهانی کارگری و کمونیستی واقعا دچار سردرگمی شده بود و حالت دفاعی به خود گرفته بود ما الان شاهد اوج مجدد جنبش کارگری و کمونیستی در سراسر جهان هستیم. شما نگاه کنید در ایتالیا، پرتغال، فرانسه که احزاب نیرومند کمونیستی دارند، پس از دوران دشواری های جدی که از جمله در ایتالیا در حد انحلال حزب بود، این احزاب مجدداً با نیروی تازه و با شکل بسیار قدرتمندی که تعجب مفسران سیاسی سرمایه داری را برانگیخته است دوباره به میدان آمده اند و امروز اندیشه های چپ و کمونیستی پرچم نه تنها کمونیست ها بلکه اقشار بزرگی از کارگران و زحمتکشان گردیده است. کافی است تنها به حرکت های کارگری در اروپا در دوسال گذشته از آلمان تا فرانسه، اسپانیا، پرتغال، بلژیک و ... نگاه کنید چنین وسعت، گستردگی و مبارزه ای کم سابقه بوده است. در آمریکا پس از دهه ها افول تشکل های کارگری و سندیکایی، ناگهان صدها هزار نفر به سمت آن رو می آورند و مبارزه در قلب امپریالیسم اوج تازه ای پیدا می کند. مهمتر از همه نگاه کنید به کشورهای سوسیالیستی سابق که احزاب کمونیست در آنجا شکست سختی را متحمل شده بودند و در هشت سال گذشته هدف یک کارزار تبلیغاتی گسترده و توقف ناپذیر بوده اند. انتخابات ریاست جمهوری روسیه از جانب ترغیر این نمونه ها است حزب کمونیست روسیه که توسط دولت وابسته یلتسین غیر قانونی شد، مورد بورش قرار گرفت و رسانه های گروهی در کنترل کامل انحصارها لحظه ای از تبلیغ علیه آن دست بر نداشتند، در انتخابات ریاست جمهوری نماینده اش بیش از ۳۰ میلیون رأی می آورد و به اعتراف رسانه های گروهی امپریالیستی اگر کمک تبلیغاتی این رسانه ها و صدها میلیون دلاری که برای این کار مایه گذاشتند وجود نمی داشت معلوم نبود که نتیجه انتخابات همان باشد که شد.

به نظر من دلیل این استقبال از جنبش کارگری و کمونیستی روشن است. در نبود اردوگاه سوسیالیسم و اتحاد شوروی و با اعلام نظم نوین جهانی از سوی امپریالیسم که چیزی جز غارت آشکار و بی حد جهان توسط معدودی از کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیست مردم در جهان متوجه شدند که چه تکیه گاه نیرومندی را در دفاع از منافع خود از دست داده اند. مردم کشورهای سوسیالیستی هم که از نزدیک امروز هر دو سیستم سرمایه داری و هم سوسیالیسم پراشکال را تجربه کرده اند به این اعتقاد رسیده اند که سیستم گذشته از نظر دست آوردهای انسانی - اجتماعی و ارزش قابل شدن به انسان به عنوان محور پیشرفت اقتصادی و نه سرمایه، چه سیستم برتر و پیشرفته تری بود. و امروز حاکم شدن سرمایه داری در کشورشان چه فاجعه عظمی است که برای رها شدن از آن می بایست راه دراز پیموده شده را دوباره طی کرد.

در مورد چپ ایران نیز به نظر من اگر بتوانیم بر این همه چند دستگی و اختلاف که برخی از زمینه های آن اکنون دیگر از بین رفته است چیره بشویم، آینده آن در میهن ما آینده بسیار روشن و تعیین کننده در تحولات آتی کشور است. حزب ما عمیقاً بر این باور است که جنبش کارگری در کنار سایر زحمتکشان شهرها و روستاها، نیروی تعیین کننده در تحولات آتی کشور است. این نیروها به طور طبیعی نیروهایی هستند که خانه شان و سازمان شان چپ ایران است و چپ ایران در صورتی که بتواند بر بیماری پراکندگی خود چیره شود و صف واحد طبقه کارگر و زحمتکشان را سازمان دهی کند عمده ترین نیروی سیاسی ایران در آینده خواهد بود.

س: رفیق خاوری، یکی از مهمترین تحولات اخیر کشور، مسأله هفتمین انتخابات ریاست جمهوری بود. احزاب و سازمان های سیاسی مختلف مواضع گوناگونی را در قبال این انتخابات اتخاذ کردند، اگر ممکن است پیرامون مواضع حزب در این مورد توضیحاتی بدهید. کسانی سیاست عدم تحریم و عدم پشتیبانی از کاندیدای بخصوصی را نوعی سیاست بی طرفی و یا امتناع نامیدند.

ادامه: مصاحبه رقیق خاوری ...

ج: بیش از هر چیز، هنگام طرح و بررسی مسأله انتخابات در شرایط حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» بر میهن ما، لازم به تصریح است که حزب ما روند تدارک و برگزاری انتخابات را در زمینه فقدان شرایط تامین دموکراتیک مشارکت رای دهندگان در انتخابات، تامین حق شهروندان برای کاندید شدن، رعایت دیگر آزادی ها و حقوق لازم افراد و سازمان های سیاسی و اجتماعی در این امر مهم، به هیچ وجه آزادانه و دموکراتیک ندیده و نمی بیند. آنچه که در جریان این انتخابات نسبت به دفعات گذشته متفاوت بود حرکت نیرومند توده های مردم است که پروسه ای مخدوش، تصنعی و فرمایشی را به مشتکی کوبنده، اعتراضی رعد آسا و خواستی آمرانه تبدیل کرد که بهر حال و بهر تقدیر آثار و عواقب بسیار جدی را به همراه خواهد آورد.

از این مقدمه کوتاه که بگذریم، در پاسخ به سؤال شما باید بگویم که موضع گیری های حزب توده ایران نسبت به مسایل مربوط به میهن ما اساساً بر مبنای پشتیبانی قاطع از حقوق و آزادی های زحمتکشان و مصالح عام میهن استوار است نمی تواند بی طرفانه باشد. حزب ما، از مدت ها قبل از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری تا تکلیک افشاکری قاطعانه و پیگیر ماهیت عمیقاً زالو صفت و انگلی بورژوازی دلال و مدیریت سیاسی - مذهبی واپسگرا و تاریک اندیش این بخش از بورژوازی را در سیمای جناح حکومتی معروف به «راست سنتی» به عنوان هسته اصلی و حلقه مرکزی مبارزه سیاسی و اجتماعی خود، در استراتژی طرد «رژیم ولایت فقیه» به پیش برده است.

تاکید بر این واقعیت، یعنی نفی قاطع یک طرف از دو طرف اصلی مدعی کرسی ریاست جمهوری را نمی توان سیاست بی طرفانه و یا امتناع نامید. ما تا اینجا کار با احساس مسؤلیت و درک ابعاد اهمیت تصمیم می توانستیم اظهار نظر کرده باشیم که کردیم. اما برای تحکیم میانی امید و اعتماد توده ها به امکان تحولات بنیادین در رژیم «ولایت فقیه» هیچگونه شواهد و دلایل مطمئنی وجود نداشت و ندارد که روی فرد معینی شرط بندی کنیم.

ما برای مردم محروم میهنمان، در تنگناهای طاقت فرسای کنونی صمیمانه آرزوی گشایشی، حتی نسبی، می کنیم. ولی معتقد بوده ایم و معتقد مانده ایم که در چارچوب «ولایت فقیه» و مناسبات مسلط سرمایه داری انگلی قایم بر ایدئولوژی فقه سنتی، گرهی اساسی از انبوه مشکلات جدی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ما گشوده نخواهد شد. ما در ارزیابی خود پیرامون امر انتخابات نمی توانستیم به این واقعیت توجه نداشته باشیم که گردانندگان اصلی دین و حکومت و در راس همه آنها ولی فقیه، برای مردم و رای آنها و حضورشان در عرصه سیاسی تا اینجا ارزش قائلند که این رای و حضور در خدمت تحکیم رژیم «ولایت فقیه» و موقعیت و منافع متولیان نظام موجود عمل کند. حضرات برای در کنترل داشتن مسیر حرکات سیاسی و اجتماعی جامعه ابرار کافی «قانونی» در اختیار دارند. شما امروز شاهد هستید که بسیاری از طرفداران آقای خاتمی هم در اظهار نظرهایی که با زتاب بیرونی پیدا کرده است، و از جمله آخرین آن مصاحبه بهزاد نبوی با روزنامه سلام است، ناچارند بر صحت و دقت ارزیابی حزب ما و این حقیقت که با وجود کنترل کلیه اهرم های قدرت توسط «ولی فقیه» تصور اینکه بتوان کاری جدی انجام داد تصویری غیر واقع بیانه است، صحنه بگذارند.

س: با این وجود، گردش سریع و غیر منتظره جو سیاسی کشور را در آستانه انتخابات ریاست جمهوری چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: اگر از عامل مداخلات و تبلیغات ابلهانه و تحریک آمیز وابستگان و خدمه و اگره جناح حکومتی «راست سنتی» به نفع کاندیدای این جناح بگذریم، که نقش کوچکی در فتنه کردن روند انتخابات نداشت، باید گفت عمر عوامل زمینه ساز اصلی این تحول به طول سال های استبداد می رسد: منتها بروز و اعلام پر سرو صدای آن در فاصله بین انتخابات پنجمین دوره مجلس و هفتمین دوره ریاست جمهوری تحقق پیدا می کند.

در جریان انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، جناح رسالت، سرمست از اشغال گام به گام اکثر مواضع و موقعیت های موثر در نهادهای حکومتی و در راس همه آنها، در انحصار داشتن برگ برنده «ولی فقیه»، برای تسخیر انحصاری قدرت حکومتی خیز برداشته بود و حتی به متحد بانفوذ خود و عامل تعیین کننده در امر برکناری مجمع روحانیون مبارز از اکثریت کرسی های مجلس و دیگر نهادهای حکومتی، پشت کرد؛ زیرا با پایان یافتن دوره ریاست جمهوری او وعدم موفقیت وی در تدارک زمینه های «قانونی» و جلب موافقت دیگر متولیان رژیم به انتخاب مجدد، نقش او را انجام یافته و ستاره اش را رو به افول می دید، تا آنجا که از قبول پیشنهاد رفسنجانی برای گنجاندن چند نفر کاندیدای نمایندگی مجلس دوره پنجم استنکاف کرد. گروه کارگزاران با نقشه برداری و توصیه رفسنجانی با به عرصه درگیری جدید سیاسی گذاشت. در آن هنگام اثر و کاربرد این اقدام فقط در انتخابات پنجمین دوره مجلس می توانست مطرح باشد و مطرح بود، نه در حوادث آتی سیاسی و به ویژه در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری.

ایجاد چنین شکافی در درون دو جناح اصلی حکومتی در زمینه انزجار و دلزدگی توده های وسیع مردم از سیاست های مجموعه رژیم حاکم، نیروی عظیمی را که به زور

اختناق و دستگاه های سرکوبگر قادر نبود نقش موثر خود را در حوادث سیاسی کشور ایفاء کند، تاحدی از زیر فشار سهمگین خارج ساخت. به نظر من امکان تکرار مانور سابق رفسنجانی در پشت کردن به متحدان سیاسی خود - آنچه در انتخابات سومین دوره مجلس و با جناح به اصطلاح رادیکال انجام شد - برای جامعه روحانیت مبارز و جناح رسالت قابل تصور نبود، چیزی که به وقوع پیوست. رفسنجانی پیوند گسسته با این رانده شدگان از سیاست کشور را که در نتیجه ائتلاف وی با جناح رسالت ممکن گردیده بود، از نو برقرار کرد و به تشکیل نوعی ائتلاف بین رقبای مخالفان سیاسی جناح رسالت و روحانیت مبارز کمک کرد و عملاً بلوک جدید سیاسی را ممکن ساخت.

این جایبایی ها در موضع گیری های جناح های حکومتی و شکاف حاصله بین سران حکومتی نه تنها معادلات جناح های درون و پیرامون حکومت را بهم ریخت، بلکه گذرگاه بروز و خروج قانونی اعتراض نیرومند مردم را، در شرایطی غیر قابل تعقیب و سرکوب از جانب رژیم، فراهم ساخت. کسانی در مرحله اول و پیش پرده «حماسه دوم خرداد» - انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی - به رای بالای از طرف مردم منتخرد شدند که اگر در فهرست مشترک با «جناح رسالت» می آمدند به سرنوشت سران کاندیدا شده هیأت مؤتلفه اسلامی گرفتار می آمدند. رای بالای (در واقع رای اول تهران) به خانم فائزه هاشمی، تبلور و تبارز اعتراض سرکوب شده نسبت به سیاست های زن ستیز رژیم خودکامه و کهنه گرا بود. همین اعتراض سرکوب شده بود که به شکل رای منفی به رژیم و کاندیدای آن، و رای مثبت به محمد خاتمی به صندوق ها ریخته شد.

بهر حال، انتخابات ریاست جمهوری نیروی شگرف توده های ملیونی را که در محاسبات حکمرانان رژیم «ولایت فقیه» به فراموشی سپرده شده بود، به منابه نیرویی مستقل از رژیم، نه در تایید بلکه در تقابل و رد آن، به شکل برجسته مطرح ساخت. اینک حکمرانان جمهوری اسلامی با شناخت این نیرو خود را بر فراز کوه آتش فشان موقتا خاموش احساس می کنند و مردم، دیگر، خود را جمع افرادی تنها در قبال خودکامگی و ستم رژیم نمی بینند. این شناخت عمومی مجدداً توده ها از نیروی همبستگی و اعتراض نسبت به رژیم، به تقابل و تعارض توده های بی حقوق با حکومت داران مستبد ابعاد گسترده و ژرفای بی سابقه ای خواهد داد.

عکس العمل بیرونی رژیم در مقابل این زمین لرزه سنگین، تظاهر به بی تفاوتی در قبال رای منفی مهیب مردم و تاویل آن به حمایت سرتاسری از رژیم «ولایت فقیه» و نظام قایم بر آنست! و اما واقعیت امر و شواهد موجود و جایبایی های اولیه گواه برحاکم شدن روحیه عصبی، ترس و انتقام جویی بر اعمال «ولی فقیه» و سران جناح شکست خورده در انتخابات است که همچنان بر اهرم های اصلی حکومتی و اقتصاد مسلطند.

رژیم، با احیاء و توان بخشی «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، نقش دولت و ریاست جمهوری را به نقشی صرفاً اجرایی و دست دوم و در خدمت اهداف مجمع تشخیص مصلحت تقلیل داده است که زیر نظر شخص رهبر و هاشمی رفسنجانی، سکانداران اصلی سیاست های کشور و نمایندگان روحانیت حاکم، بورژوازی تجاری و بورژوازی رو به رشد بوروکراتیک، مجاز به انجام وظیفه تعیین شده است.

تا روزی که مردم میهن ما، در اکثریت قاطع و موثر خود، به این نتیجه نرسند که در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» تمییرات و اصلاحات فقط می تواند به آرایش سطحی و «تلطیف» نسبی رنج ها و محرومیت انسان ها و اسارت روحی و فکری آنها بیانجامد، اساساً در بر همین پاشنه خواهد چرخید. مردم برای دستیابی به حقوق و آزادی هایشان باید نیروی موثر و کارآیی را از وحدت و انسجام فعالیت سیاسی خود در مقابل زورگویی و استبداد رژیم حاکم سازماندهی کنند.

س: رقیق خاوری حزب اخیراً از طریق انتشار مقالاتی در «نامه مردم» پیرامون توطئه های ارگان های امنیتی رژیم در درون و بیرون از کشور اخطارهایی داده است اگر ممکن است در این باره توضیحات بیشتری را بدهید.

ج: مسأله توطئه های ارگان های امنیتی رژیم در واقع از روزی که این رژیم دستگاه امنیتی خود را به راه انداخت لحظه ای قطع نشده است و تا روزی هم که این رژیم بر سر پا است قطع نخواهد شد، منتها اشکال و بروز بیرونی آن در مقاطع مختلف گوناگون است. زمانی ارگان امنیتی رژیم به جمع آوری اطلاعات علیه حزب مشغول بودند و از طرق مختلف زیر نظر داشتن خانه های حزبی، استراق سمع تلفن، نفوذی فرستادن و ... این کار را انجام می دادند. بعد این توطئه ها با حمله به حزب وارد مرحله نوینی شد. حزب با شواهد تلویزیونی، انتشار انبوه «اعتراقات» به زور داغ و درفش به دست آمده و سپس تشکیل کمیته های رنگارنگ و غیره برای انفجار حزب از درون مواجه بود. با شکست این برنامه و در پی کشتار جمعی زندانیان توده ای و گروه بزرگی از زندانیان سیاسی، رژیم به فکرهای دیگری افتاد که ما با زتاب آن را در این سال ها در اشکال مختلف دیده ایم. چاپ انواع و اقسام «خاطرات» و نوشته های از این دست به نام قربانیان شکنجه و در شکل «نظرات توده ای»، توطئه دیگری بود که با هشداری باش رهبری حزب با شکست روبرو شد در دو سال اخیر هم با ترفند جدیدی به نام حزب سازی و سازمان های «چپ» ایجاد کردن در ایران روبرو

ادامه روند روبه اوج مبارزه کارگران ...

نیشکر هفت تبه از روز یکشنبه ۲۳ شهریور در اعتراض به شرایط خود دست به اعتصاب زده اند که روز سه شنبه با عقب نشینی رژیم به پایان رسید. برپایه اطلاعاتی مدیر کل کار و امور اجتماعی استان مرکزی، کارگران کارخانه ماشین سازی اراک از اواسط شهریور ماه در اعتراض به دستمزدهای خود، خواستار افزایش دستمزدها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل شدند و برای یک هفته دست به اعتصاب زدند. ماشین سازی اراک با چهار هزار کارگر، یکی از حساس ترین مراکز کارگری کشور است که هر حرکت کارگری در آن با حساسیت زیاد از سوی رژیم روبرو می گردد. بر اساس آخرین اخبار رسیده هر دو حرکت کارگری کارگران در ماشین سازی اراک و کارخانه نورد اهواز با پیروزی کارگران و عقب نشینی مسؤلان کارخانه به پایان رسید.

زمینه این اعتصاب ها به اجرای طرح افزایش دستمزد کارگران در ابتدای سال جاری به میزان ۲۲/۸ درصد، که پایین تر از نرخ واقعی تورم است و در واقع به مثابه کاهش دستمزد کارگران است برمی گردد. حزب ما به هنگام اعلام این خبر از سوی دولت رفسنجانی در تحلیلی پیرامون این حرکت رژیم از جمله نوشت: «این افزایش به هیچ وجه نمی تواند پاسخگوی نیازمندی های یک زندگی حداقل برای خانواده های کارگری باشد... مبارزه برای افزایش دستمزدها متناسب با نرخ واقعی تورم، گماکان به عنوان یکی از مهمترین خواست ها و عرصه های مبارزاتی کارگران مطرح است و کارگران بیش از پیش در راه آن بیکار خواهند کرد. با ارزیابی از بیکاری کارگر در سال گذشته این نتیجه روشن به دست می آید که ... طبقه کارگر با عزم راسخ در صحنه مبارزه و میدان تحولات اتی حضور جدی خواهد داشت...» («نامه مردم» شماره ۵۰۴ - ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۶).

از ویژگی های اساسی دوران اخیر مبارزاتی کارگری، رشد آگاهی طبقاتی، رشد اشکال پیچیده تری از سازمان دهی مبارزه (نمونه جالب آن اعتصاب پیروزمند کارگران نفت)، صراحت بیش از پیش و رشد اعتراض ها از کارگاه های کوچک به مراکز و مجتمع های بزرگ کارگری است. نکته پر اهمیت در این پدیده این است که در حالی که رژیم می توانست به راحتی حرکت های اعتراضی کارگران در کارگاه های کوچک را سرکوب کند، توان سرکوب آن در مقابل حرکت های بزرگ کارگری مانند اعتصاب پیروزمند کارگران نفت و حرکت اخیر کارگران ماشین سازی اراک به شدت کاهش می یابد و از این رو است که ما شاهد پیروزی این دو اعتصاب و عقب نشینی سران رژیم در مقابل خواست های کارگران هستیم. اوج گیری اعتصاب ها و اعتراض های کارگری اگرچه عمدتاً بر پایه مطالبات صنفی نظیر افزایش دستمزدها، طرح طبقه بندی مشاغل دور می زند اما اساساً ماهیتاً یک نبرد تمام عیار سیاسی علیه رژیمی است که توان تحمل هیچ حرکتی مستقلاً را ندارد. نکته قابل توجه دیگر به میدان آمدن توده های وسیع و اقتدار گوناگون مردم در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری و شکسته شدن «طلسم» اختناق در این روند است. جنبش کارگری به عنوان ستون فقرات مبارزه سراسری و دموکراتیک مردم می تواند و می بایست نقش کلیدی را در این مبارزه برای تحقق اهدافی مانند استقرار آزادی، حکومت قانون، جامعه مدنی و عدالت اجتماعی به پیش ببرد.

با درک این واقعیت و سابقه طولانی مبارزات کارگری در ایران و مهمتر از همه تاریخ جنبش کارگری و حزب آن، حزب توده ایران است که برخی از مسؤلان رژیم در ماه های اخیر به فکر «چاره» برای مهار کردن و در واقع «کانالیزه» کردن مبارزات کارگری افتاده اند.

در اوایل مردادماه سال جاری خانم سهیلا جلودار زاده، نماینده تهران خیر تشکیل مجمع نمایندگان کارگران مجلس شورای اسلامی، با حضور برخی از چهره های سرشناس و کارگر ستیز رژیم را اعلام کرد. خانم جلودار زاده علت تشکیل چنین مجمعی را پاسخگو نبودن کمیسیون کار مجلس در شرایط کنونی اعلام کرد. در پی این اقدام در هفته های اخیر، روزنامه «کار و کارگر»، ارگان «خانه کارگر» رژیم از قول علی رضا محبوب دبیرکل آن نوشت: «آرزوی جامعه کارگری داشتن حزب است!!! به گزارش همین روزنامه دبیرکل خانه کارگر در نشست دبیران اجرایی خانه های کارگر سراسر کشور در این باره از جمله اظهار کرده است: «حزب بدون پشتوانه مردمی ایده آل جامعه اسلامی نیست و حزبی می تواند موفق باشد که به نیروهای جوان و کارآمد متکی باشد... برای تشکیل حزب مشورت هایی با مسؤلین ذی ربط گرفته ایم، در مقطع کنونی مراحل اولیه تشکیل حزب در حال بررسی است...».

فکر ایجاد حزب «کارگری» از سوی وابستگان رژیم «کارگر ستیز ولایت ققیه» بی گمان هیچ هدفی جز مهار زدن و به انحراف کشاندن مبارزه روبه رشد طبقه کارگر نمی تواند داشته باشد. رژیم در حالی که سال ها است خواست ایجاد سندیکا ها و اتحادیه های مستقل کارگری را با شدت سرکوب کرده است، امروز ناگهان مجبور به اعتراف است که کارگران خواهان شکل های مستقل خود هستند و برای آنکه سرشته امور از دستش خارج نشود تصمیم به اقدام در این زمینه کرده است.

نگرانی دیگر رژیم تاریخ غنی و عمیقاً مترقی مبارزات و جنبش کارگری ایران در پنج دهه گذشته به رهبری حزب توده ایران است. رژیم فراموش نکرده است که کارگران به رهبری حزب توده ایران توانستند قانون ضد کارگری توکلی را علی رغم تأیید خمینی و دیگر سران رژیم با شکست روبرو کنند و امروز هم باز حزب توده ایران است که ریشه های عمیق خود در درون جنبش کارگری کشور را حفظ و همچنان رشد و گسترش می دهد. تلاش های رژیم برای ایجاد «حزب کارگران» بی شک با شکست روبرو خواهد شد. این نخستین تجربه چنین کاری نیست و ترفندهایی از این دست به دفعات در دیگر کشورها به آزمایش گذاشته و با شکست روبرو شده است.

رشد آگاهی طبقاتی، انسجام بیش از پیش و گسترش اعتراض ها در مراکز عمده کارگری و صنعتی نمونه روشنی از اوج گیری جنبش کارگری به دلایل عینی و ذهنی مشخص برخاسته از جامعه ماست که ترفندهای رژیم توان توقف دائمی آن را نخواهد داشت. تشکیلات، ارتقاء سطح سازمان دهی مبارزات و پیوند مبارزات صنفی با خواست عمومی خلق در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در کنار برقراری پیوند هرچه نیرومند تر با حزب راستین طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران از زمره مهمترین و اساسی ترین وظایف کارگران پیشرو و فعالین جنبش کارگری در شرایط کنونی است. تحولات حال و آینده میهن ما در صورتی به فرجام پیروزمند و قطعی خود به سمت استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی فرخواهند روید که طبقه کارگر ایران بتواند نقش پیشاهنگ و کلیدی خود را در آنها اعمال کند.

ادامه مصاحبه رفیق خاوری ...

هستیم. در کشوری که هواداران حزب به جرم خواندن کتب حزبی و فعالیت در صفوف حزب شکنجه و اعدام می گردند، ناگهان سازمان «چی» اجازه پیدا می کند کتب رفقایمان مانند جوانشیر، بهزادی، نیک آئین و رفقای دیگر را که رژیم وحشیانه آنان را قتل عام کرده است، آزادانه تکثیر کند و برای فروش آنها در مجلات کشور تبلیغات یک صفحه ای بگذارد.

این مجموعه آزادانه با خارج از کشور و نیروهای «خودی»، ارتباط می گیرد. و فعالیت شدید تبلیغاتی برای زیر علامت سوال بردن حزب و ارگان های قانونی آن و دامن زدن به اختلافات مشترک آغاز می گردد. حضرات آزاد هستند مصاحبه انجام دهند و نظرات چهره های «سرشناس» و «توانمند» توده ای را زیر عنوان رهنمودها و نظرات «محافل آگاه توده ای» در درون کشور منتشر کنند. و عوام فریبی را تا به آنجا رسانده اند که می گویند امروز اقتدر در ایران آزادی هست که قول تشکیل حزب در ایران داده شده است و این کار به دست همان چهره های «توانمند» بزودی انجام خواهد گرفت؛ و نکته ظریف دیگر اینکه خط جنبش حزبی هم چیزی نیست جز فعالیت قانونی در چارچوب قانون اساسی رژیم «ولایت ققیه» و دفاع از این «نظام» در مقابل خطر «خارجی» و شاید مهمتر از آن مقابله با خط «انحرافی و خانمان برانداز رهبری حزب در مهاجرت» که مردم را به مبارزه برای طرد رژیم «ولایت ققیه» فرا می خواند.

تا آنجا که من اطلاع دارم اکثر رفقای توده ای با این جریان مرز بندی مشخص دارند و بسیار هوشیار تر و آگاه تر از آن هستند که قرب چنین مانورهایی را بخورند. در پی هشدار باش حزب، باید منتظر بود که مهره های دیگری به صحنه آورده شوند. ما این توطئه را به هیچ وجه پایان یافته نمی بینیم و معتقدیم رفقای حزبی در هر کجا که هستند باید با نهایت دقت و هوشیاری با آن برخورد و مقابله کنند. نباید اجازه داد دشمن با سوء استفاده از احساسات پاک ما در چرخه ای را برای نفوذ در قلب ما و ضربه مجدد به حزب بیابد.

«نامه مردم»؛ چنانچه تشکر از شما پیامی برای رفقا دارید؟

ج: اجازه دهید تا از این فرصت استفاده کنم و فرا رسیدن ۵۶ -مین سالگرد تأسیس حزبمان را به همه رفقا، اعضاء و هواداران حزب در هر کجا که هستند تبریک بگویم و برای کارگران و زحمتکشان و همه مردم میهن ما که در راه آزادی استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند آرزوی پیروزی و موفقیت بکنم.

ادامه حضور نیروهای ...

اثرات امنیتی مشخصی در ثبات اوضاع ازبکستان خواهد داشت. روسیه همچنین می تواند موانع جدی در راه صدور نفت و گاز از کشورهای آسیای مرکزی ایجاد نماید. در هر صورت این امر در بردارنده حضور مستقیم تر و گسترده تر نیروهای امپریالیستی در منطقه و تشدید حساسیت های توده ای علیه سیاست های نواستعماری امپریالیسم خواهد گردید. اولین نشانه های چنین پدیده ای را از هم اکنون می توان مشاهده کرد. در روز ۲۱ شهریور به دعوت کمیته جنبش کارگران قزاقستان یک تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارت آمریکا علیه «عملیات نظامی سازمان دهی شده از سوی ناتو» برگزار شد. مطمئناً این شروع تازه ای در مبارزه خلق های منطقه علیه غارتگری امپریالیستی می باشد.

حضور نیروهای امپریالیستی در آسیای مرکزی

آذربایجان «منوجه یک کشور ثالث، و به طور مشخص آذربایجان» است، را ابراز می‌دارد.

گرچه می‌توان نگرانی بازیگران این سناریو یعنی آذربایجان و ارمنستان را در رابطه با درگیری‌های چند ساله اخیر در رابطه با ناگورنی قره باغ دانست، لیکن مسأله اصلی کوشش قدرت‌های عمده یعنی آمریکا و روسیه در تعیین سهم کشورهای مختلف از پروژه‌های عظیم توسعه منابع و استخراج نفت و گاز و خطوط لوله برای صدور آن به اروپا و بنادر عمده می‌باشد.

ایالات متحده در زیر پوشش تضمین دادن به کشورهای آسیای مرکزی که گویا در صدد استقرار حاکمیت مستقل خود هستند، سعی در زدودن هرگونه اتکاء این کشورها به روابط سنتی دیرینه با روسیه و یا کشورهای منطقه دارد. کوشش ایالات متحده برای گسترش شرکت کشورهای منطقه در برنامه «مشارکت برای صلح» که در ارتباط مستقیم با پیمان ناتو صورت می‌گیرد در این راستا می‌باشد. در این کوشش‌ها نقش فعال ترکیه به عنوان عضو ناتو که در مجاورت و همسایگی کشورهای آسیای مرکزی می‌باشد استراتژیک و برنامه ریزی شده است.

در این رابطه است که باید به اظهار نگرانی نیروهای ترقی خواه کشور ما و نیز منطقه در رابطه با شرکت مستقیم ایالات متحده در مانورهای نظامی که از روز ۲۳ تا ۳۱ شهریور در کشورهای قزاقستان و ازبکستان انجام خواهد شد برخورد نمود. در این تمرین‌های نظامی علاوه بر کماندوهای آمریکایی، واحدهای هواپرد از قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان، ترکیه و حتی روسیه شرکت خواهند داشت. به گفته ژنرال مارتین برنردت، مسوول مانورهای مشترک و آموزش مرکز فرماندهی آتلانتیک ایالات متحده در این عملیات که به نام سنترسبات ۹۷ انجام می‌گیرد کماندوهای لشکر ۸۲ هواپرد ایالات متحده و هم ردیفان آنان از کشورهای منطقه بدون توقف از ایالات متحده به قزاقستان پرواز نموده و پس از طی ۱۳۰۰۰ کیلومتر با چتر در منطقه عملیاتی فرود خواهند آمد. در مرحله دوم عملیات واحدهای نظامی لائوس و گرجستان نیز به تمرینات نظامی ویژه در قزاقستان و ازبکستان خواهند پیوست. ژنرال برنردت تأکید کرد که انتقال نیروهای نظامی بدون توقف در یک مسیر ۱۳۰۰۰ کیلومتری یک بدعت بسیار مهم و یک دستاورد «استراتژیک» است که قبلاً دیده نشده است. او همچنین تأکید نمود که این مانورها به منظور ارتقاء همکاری نظامی و تقویت حاکمیت سیاسی قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان می‌باشد.

گرچه مقامات رسمی ایالات متحده سعی دارند کتمان کنند که این مانور حامل پیغامی برای کشورهایی است که در آن شرکت ندارند، ولی واقعیت این است که امپریالیسم یانکی به ترکمنستان، تاجیکستان، ارمنستان و روسیه توجه می‌دهد که قصد دارد بازیگر عمده و جدی‌ای در منطقه آسیای مرکزی باشد. کشورهای منطقه که هنوز کاملاً در مدار اقماری ایالات متحده قرار ندارند، با درک جدی بودن برنامه‌های این کشور، مطمئناً یا سیاست‌هایشان را به طریقی تغییر خواهند داد که با سیاست‌های ایالات متحده تطابق داشته باشد و یا اینکه به طور فزاینده‌ای به طرف روسیه و ارتباط نزدیک تر با این کشور کشیده خواهند شد. این گزارش که ترکمنستان تقاضای عضویت در پیمان ناتو را نموده است و ارمنستان خواستار پیوستن به اتحاد بین روسیه و بلاروس شده است را باید در جهت قطعی شدن اوضاع منطقه و احتمال بیشتر خطر درگیری نظامی در این منطقه حساس دانست.

عکس‌العمل روسیه در رابطه با طرح‌های ایالات متحده برای کشورهای آسیای مرکزی از اهمیت فرق العاده برخوردار است. برخی محافل مسکو مطمئناً تمرین‌های نظامی مشترک با نیروهای آمریکایی را مصافی مستقیم و عامدانه از سوی امپریالیسم آمریکا علیه روسیه در منطقه‌ای که سنتاً تحت نفوذ آن بوده است قلمداد خواهند نمود و ممکن است تصمیم به نمایش واکنشی در مقابل آن بگیرند. اگر روسیه به تلافی اقدام به بیرون کشیدن نیروهای خود از تاجیکستان که درگیر جنگ داخلی است بکند، احتمال تغییر دولت در این کشور فراوان است و این مسأله

تحولات سریع و پر دامنه در کشورهای آسیای مرکزی و تبعات مستقیم آنها برای منطقه و بخصوص میهن ما، مسأله‌ای نیست که به سادگی بتوان از آن چشم پوشید. استقرار کمپانی‌های بین‌المللی غارتگر در اکثر کشورهای همسایه شمالی ایران و تلاش‌های گسترده آنان برای کنترل انحصاری منابع غنی نفت و گاز طبیعی، معادلات سیاسی منطقه را بشدت برهم زده است. تشکیل و تغییر و تحولات در اتحادها و ائتلاف‌های دو طرفه و چند طرفه و مسابقه قدرت‌های عمده جهانی برای ایفای نقش استراتژیک در کنترل و هدایت این چارچوب‌های جدید به موازات ورود مستقیم کشورهای امپریالیستی به منطقه خطر تصادم‌های نظامی و رشد نظام‌گیری را بیش از پیش جدی نموده است. بی‌پایه نیست که وضعیت کشورهای آسیای مرکزی را به طریقی شبیه به آنچه که در نیمه اول قرن بیستم در منطقه خلیج فارس در جریان بود بدانیم. امپریالیسم دگرپاره با استشمام بوی نفت و با قصد کنترل منابع عظیم نفتی جدید در حوضه دریای خزر حرکت استراتژیکی را سازمان داده است و چون موارد مشابه تاریخی در گذشته، بهره‌گیری نیروی نظامی و حضور مستقیم در منطقه عنصر عمده‌ای را در سیاست‌گذاری‌های امپریالیستی تشکیل می‌دهد.

یکی از مشخصه‌های اصلی «نظم نوین جهانی» که از همان اولین لحظات استقرار آن در سال ۱۹۹۰ ظاهر مشخص یافت جنگ طلبی و نظامی‌گری در جهت کسب هژمونی امپریالیستی بوده است. منطقه خاورمیانه در کل و کشورهای همسایه میهن ما در سال‌های اخیر شاهد رسواترین کوشش‌ها در این رابطه بوده است. پروژه‌ای که ۷ سال قبل با بحران اشغال کویت توسط عراق و متعاقب آن حمله نظامی آمریکا و متحدان آن به این کشور شروع شد، اکنون در قالبی دیگر لیکن با همان محتوا در کشورهای آسیای مرکزی واقع در مرزهای شمالی میهن ما در جریان می‌باشد. امپریالیسم با بهره‌گیری از عدم وجود اتحاد شوروی و بحران سیاسی سال‌های اخیر که محصول فروپاشی کشورهای سوسیالیستی بوده است سعی در بازبرپایی یک سیستم نواستعماری جدید در کشورهای آسیای مرکزی دارد و در این رابطه موفقیت‌های عمده‌ای نیز کسب کرده است. منابع عظیم زیرزمینی کشورهای منطقه و به ویژه ذخایر سرشار نفت حوضه دریای خزر عامل عمده علاقه امپریالیسم به ایفای نقش در این منطقه می‌باشد. متأسفانه سیاست‌های مخرب جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر در موفقیت امپریالیسم کم‌تأثیر نبوده است و دردناک است اذعان کنیم که بهای این سیاست‌ها را خلق‌های کشورمان که شاهد چپاول و غارت منابعی هستند که بخشی از آن طبیعتاً و قانوناً به آنان تعلق دارد، می‌پردازند.

امپریالیسم آمریکا با درک ویژگی‌های منطقه و عدم ثبات سیاسی کشورهای نوپیدا، سعی فراوان در وارد کردن نیروهای نظامی خود و استقرار دائمی آنان در پوشش نیروهای حافظ صلح و امنیت و همچنین جلب این کشورها به پیمان‌های امپریالیستی دارد. به موازات این کوشش‌ها، دولت روسیه نیز که مدعی حق اعمال نفوذ در کشورهای این منطقه بوده و سنتاً آسیای مرکزی در محدوده نفوذ آن بوده است تلاش‌هایی برای حفظ جای پای مطمئن به عمل می‌آورد. این طبیعی است که در شرایط تضاد منافع بازیگران عمده در این مسابقه برای کنترل منابع اولیه به درگیری نظامی منجر گردد. این واقعیت را که در هفته اول شهریور ماه بطورسیان، رئیس‌جمهور ارمنستان به مسکو می‌شتابد تا قرارداد عمده همه‌جانبه برای «دوستی، همکاری و یاری متقابل» را امضاء نماید، نمی‌توان ندیده گرفت. در قرارداد مهم بین روسیه و ارمنستان گفته می‌شود در صورتی که ارمنستان درگیری نظامی با یک کشور ثالث داشته باشد، مورد حمایت نظامی روسیه قرار خواهد گرفت.

در تقابل و در رابطه مستقیم با چنین قراردادی، حیدر علی اوف، رئیس‌جمهور آذربایجان که در مرداد ماه در آمریکا با مقامات سیاستگذار آمریکایی ملاقات و مشورت نموده بود در روز ۱۲ شهریور ماه به وزیر خارجه و سخنگوی پارلمان این کشور دستور می‌دهد که همکاری و گفتگو با هم‌تایان آمریکایی خود را افزایش دهند. حسن حسن اوف، وزیر خارجه آذربایجان با احضار سفیر روسیه در باکو «نگرانی» و «تعجب» خود از قرارداد بین روسیه و ارمنستان را که به باور مقامات

ادامه در ص ۷

آدرس‌ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:515

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

23 September 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۲۲۴ ۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse